



رده‌شناختی ساخت سببی در زبان پشه‌ای

محمد دبیرمقدم^{۱*}

نورالرحمن ناصح^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

ساخت‌های سببی یکی از موارد مهم در زبان است که در نظام ذهنی بشر در همهٔ زبان‌های دنیا، به‌صورت اساسی نقش بسته است. در این مقاله ساخت سببی زبان پشه‌ای مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. ساخت‌های سببی از لحاظ نحوی و معنایی گسترهٔ بحث این مقاله را تشکیل می‌دهد. با آن‌که ساخت سببی به‌صورت‌های مختلف در زبان‌های دنیا شرح و تفسیر شده است، اما در زبان پشه‌ای به این موضوع تاکنون پرداخته نشده است. هدف کلی این تحقیق تبیین ساخت‌های سببی در زبان پشه‌ای است. چارچوب کاری این تحقیق مقالهٔ ساخت سببی زبان فارسی دبیرمقدم است که در سال (۱۳۹۹/۱۳۶۷) در مجلهٔ زبان‌شناسی چاپ شده است. در متن پشه‌ای این تحقیق از الفبای فونتیک آمریکایی شمالی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: ساخت‌های سببی، سببی واژگانی، سببی نحوی، زبان پشه‌ای، سبب‌ساز.

✉ mdabirmoghaddam@gmail.com

✉ nasehnoorahman123@gmail.com

۱- استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی*

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی

۱- مقدمه

فرایند سببی همواره مورد توجه محققان رشته‌های گوناگون از جمله فلسفه، روان‌شناسی، مردم‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی قرار گرفته است. در حوزه زبان‌شناسی در مورد ساخت‌های سببی^۱ مطالعات زیادی صورت گرفته است. ورهگن^۲ (۱۹۹۴) به این بارو است ساخت سببی در زبان‌شناسی از پیشینه زیادی برخوردار است. ساخت سببی درد ذهن تمام انسان‌ها و در شکل‌دهی تجربیات آنها نقش مهم و به‌سزایی دارد. رده‌شناسی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که بر تمایلات غالب بر زبان‌های مختلف تأکید دارد. رده‌شناسی مطالعه‌ای نظام‌مند تنوع بین زبان‌ها می‌باشد (دبیرمقدم، ۱۳۹۳: ۳). می‌دانیم که ساخت‌های سببی در اکثر زبان‌ها وجود دارد، می‌توان آنها را از دیدگاه رده‌شناسی زبان مورد بررسی قرارداد. ساخت سببی به مجموعه جملاتی اطلاق می‌شود که در آن شخص، حادثه‌ای، یا پدیده‌ای که سبب یا سبب‌ساز خوانده می‌شود محرک. انگیزه می‌گردد تا شخص دیگری یا شیئی که در آن سبب‌پذیر نامیده می‌شود عملی را انجام دهد، پذیرای حالتی شود، یا در حالت باقی بماند (دبیرمقدم، ۱۳۹۹: ۵۹).

زبان پشه‌ای مربوط زبان‌های داردیک (Dardic) در خانواده‌ای هندوآریایی (Indo-Aryan) از زبان‌های هندو ایران (Indo-Iranian) است. زبان‌های داردیک به زبان‌های اطلاق می‌شود که عرض مناطق کوهستانی بین کوه‌های هندوکش تا مرزهای هند را در بر می‌گیرد (لهر^۳، ۲۰۱۴: ۱۰).

زبان پشه‌ای که گویندگان زیادی در افغانستان دارد. نظر به تحقیق زبان‌شناسان زبان پشه‌ای عمدتاً دارای ساخت‌های قدیم زبان ایرانی بوده، کمتر تحول زبانی را شاهد بوده است. این زبان از لحاظ رده‌شناختی پس‌اضافه قوی است. موقعیت جغرافیایی زبان پشه‌ای عمدتاً شرق افغانستان یعنی جنوب‌شرق و شمال‌شرق می‌باشد، به‌صورت گسترده در چهار استان کاپیسا، لغمان، کنر و ننگرهار زندگی می‌کنند، به‌صورت پراکنده در کل این کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد (کلمانی، ۱۳۸۴: ۳۵)؛ از این که در افغانستان سرشماری دقیق در مورد زبان پشه‌ای صورت نگرفته است به‌صورت قطعی نمی‌توان ارقام درست در مورد گویشوران زبان پشه‌ای ارائه کرد. ولی مورگنسترینه زبان‌شناس نوژی استاد دانشگاه اسلو نفوس زبان پشه‌ای را حدود ۴۵۰۰۰۰ هزار نفر خوانده است. این زبان‌شناس و محقق زبان هندوایرانی، زبان پشه‌ای را به چهار گویش اساسی تقسیم نموده است و آن را به ترتیب ذیل مشخص نموده است. به اساسی طبقه‌بندی موصوف پشه‌ای جنوب‌شرقی ۱۸۰۰۰۰ هزار گویشور جنوب‌غربی ۱۰۰۰۰۰ گویشور، شمال‌غربی ۷۰۰۰۰ و شمال‌شرقی ۵۴۴۰۰ مورگنسترینه^۴ (۱۹۶۷: ۱).

در مورد زبان پشه‌ای کارهایی در موارد مختلف در افغانستان و ایران یعنی در حوزه زبان فارسی و همچنان در حوزه زبان انگلیسی صورت گرفته است، از این که این زبان، زبان ناآشنا در محیط علمی و دانشگاهی است

1. Causative constructions
2. Verhagen
3. Rachel Lehr
4. Morgenstrierne

یعنی کار گسترده‌ای در آن صورت نگرفته است می‌خواهم به بعضی کارهای انجام شده اشارات کوتاهی داشته باشم.

یکی از کارهای مهم که در مورد زبان پشه‌ای در منابع خارجی انجام شده است کار **جوهانگ یون**^۱ (۲۰۰۴) است، یون در حال حاضر در دانشگاه علوم اجتماعی چیانگ مای در تایلند کار می‌کند. علایق تحقیقاتی یون به آموزش چندزبانه مبتنی بر زبان مادری و هویت قومی مربوط می‌شود، او مطالعات و تحقیقات میان‌رشته‌ای در زمینه انسان‌شناسی فرهنگی، زبان‌شناسی اجتماعی و آموزش چندزبانه را انجام می‌دهد. و موصوف فرهنگ زبان پشه‌ای را ترتیب داده است که حدود هزار واژه دارد. یون فرهنگ زبان پشه‌ای را با ترجمه انگلیسی و پشتو کار کرده است بر علاوه تصاویر، واژه‌ها را نیز درج فرهنگ نموده است. هر چند کار دقیق و علمی نیست به‌طور مثال واژه‌ها را آوانویسی نکرده است، در ضمن کار موصوف منحصر به یک روستا به اسم دره نور در استان ننگر هاراست، اما منابع کارا در حد یک تحقیق معمولی در زبان پشه‌ای می‌تواند باشد.

کار مهم دیگری که در زبان پشه‌ای در منابع خارجی انجام شده، کاری است تحت عنوان

a descriptive grammar of pashai: the language and speech community of darray nur^۲

که توسط راشل لهر (۲۰۱۴) انجام شده است. راشل لهر این تحقیق را در گروه زبان‌شناسی دانشگاه شیکاگو در آمریکا انجام داده است. او در طول دهه ۱۹۷۰-۱۹۸۰ به سراسر آسیای میانه چون افغانستان و تاجیکستان سفر کرده است. راشل در جریان این سفر علاقه زیادی به فرهنگ و هنر آن مناطق پیدا کرده است، نسبت همین علاقه رساله دکتری‌اش را در دستور توصیفی زبان پشه‌ای تحت عنوان فوق می‌نویسد، راشل کتابی با حجم حدود ۵۰۰ صفحه ذیل عنوان فوق می‌نویسد. کار راشل متمرکز است بر دره نور یکی از روستاهای استان ننگرهار افغانستان که به زبان پشه‌ای صحبت می‌کنند. این کتاب ویژگی‌های صوتی، صرفی و نحوی زبان پشه‌ای را در بر می‌گیرد. بر علاوه ساخت دستوری زبان پشه‌ای، معلومات مفصلی در مورد ساحه کاربرد، رسم و رواج و برخی مسائل دیگر فرهنگی و تاریخی را نیز مورد بررسی قرار داده است.

تحقیق مهم که در مورد رده‌شناسی زبان پشه‌ای در منابع خارجی صورت گرفته، کاری است که در گروه زبان‌شناسی دانشگاه استهکلم تحت عنوان

(a micro-typology study of pashai varieties in Afghanistan)^۳

به رهنمایی هنریک لیلیگرن^۴ (۲۰۱۹) انجام شده است، هنریک زبان‌شناس و دانشیار گروه زبان‌شناسی در دانشگاه استهکلم سوئد است. او کار میدانی زیادی را در مورد زبان‌های منطقه هندوکش و قراقرم، رده‌شناسی و روابط خویشاوندی بین این مناطق، یعنی زبان‌های داردیک انجام داده است، موصوف در این تحقیق

1. Ju.hong yon.

۲. دستور زبان توصیفی پشه‌ای: جامعه‌ی زبانی و گفتاری دره نور.

۳. بررسی رده‌شناسی خورد انواع پشه‌ای در افغانستان.

5. Henrik Liljegen

گوش‌های مختلف زبان پشه‌ای در افغانستان را از لحاظ تنوع آوایی، صرفی و نحوی بررسی کرده است، نویسنده، زبان پشه‌ای در افغانستان را به گوش شمال شرقی و شمال غربی، جنوب شرقی و جنوب غربی تقسیم نموده است موصوف در تحقیقی که انجام داده تفاوت‌های آوایی، صرفی و نحوی این گوش‌ها را مورد بررسی قرار داده است که از هر گوش نمونه‌های جدول‌وار ارائه داده است. در مطالعات رده‌شناسی، زبان‌هایی مورد نظر است که از نظر جغرافیایی به هم نزدیک نیستند ولی از نظر ژنتیکی با هم مرتبط باشند. رده‌شناسی کوچک نوعی از مطالعات رده‌شناسی است که در آن، گوش‌های متفاوت یک زبان که از لحاظ جغرافیایی و خویشاوندی باهم نزدیک باشند مورد بررسی قرار می‌گیرد (لیلیگرن، ۲۰۱۹: ۶).

چنان‌که تذکر داده شد کارهای در حوزه‌ای ایران و افغانستان روی زبان پشه‌ای صورت گرفته است که موارد از آن در ذیل به صورت مختصر اشاره می‌شود.

کلمانی (۱۳۸۴)، بینوا (۱۳۸۷)، ناصح (۱۳۹۰) غمجن (۱۳۹۹)، در افغانستان و کهنگی (۱۳۹۸)، در ایران را نام برد؛ اما تا آن‌جایی که نگارنده آگاهی دارد هیچ تحقیق مشخصی در مورد ساخت جملات شرطی در زبان پشه‌ای صورت نگرفته است.

مانند جملات زیر

الف) مادر بچه‌ها را وادار کرد که غذایشان را بخورند.

ب) احمد باعث شد که من بهترین دوستم را از دست بدهم.

ج) پروین درس را به احمد یاد داد.

در جمله‌ای نخست مادر سبب‌ساز و بچه‌ها سبب‌پذیر.

در جمله دوم احمد سبب‌ساز و من سبب‌پذیر.

و در جمله سوم پروین سبب‌ساز و احمد سبب‌پذیراند.

در حوزه زبان‌شناسی مطالعات مختلفی در مورد ساخت‌های سببی در فارسی صورت گرفته است. دستور نویسان سنتی مانند شریعتی (۱۳۶۴)، انوری و گیوی (۱۳۷۳) روی سببی‌های ساختوازی کار کرده‌اند. من‌صوری (۱۳۸۴) و آهنگر (۱۳۸۷) بر ملاحظات نحوی ساخت سببی توجه داشته‌اند؛ اما دبیرمقدم (۱۳۶۷) ساخت سببی در زبان فارسی را از لحاظ ساخت‌های نحوی و واژگانی مورد تحقیق و بررسی قرار داده است.

این مقاله بر اساس چارچوب نظری مقاله‌ای ساخت سببی در زبان فارسی (۱۳۶۷) دبیرمقدم کار شده است، ساخت‌های سببی ترکیبی، ساخت‌های سببی واژگانی و بررسی این ساخت‌ها در زبان پشه‌ای مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده شده است. مورد مهم این مقاله ساخت سببی واژگانی در زبان پشه‌ای است. در ساخت‌های سببی واژگانی به موضوعاتی چون سببی‌های ریشه‌ای، سببی‌های تکوازی و سببی‌های کمکی پرداخته خواهد شد. این نوع سببی و موارد مطرح‌های آن به تفصیل با ارائه شواهد از زبان پشه‌ای و در موارد با مقایسه با زبان فارسی شرح داده می‌شود.

در بخش دوم مقاله در مورد ساخت‌های ترکیبی سببی نیز بحث می‌شود، در ساخت ترکیبی سببی ویژگی‌های نحوی و خصوصیات معنایی ساخت‌های سببی ترکیبی در زبان پشه‌ای و ارتباط ویژگی‌های نحوی و خصوصیات

معنایی آن بحث می‌شود. افعال سببی ترکیبی بر اساس این مبحث فعل، متضمن معنای ضمنی، با در نظر داشت بحث مثبت و منفی، با ارائه شواهد و مثال‌های از زبان پشه‌ای مورد بررسی قرار داده شده است. این بحث شامل گروه سببی‌های فاعلی - التزامی و سببی‌های مفعول - التزامی بوده که به تفصیل در مورد آنها صحبت خواهد شد.

۲- ساخت سببی واژگانی

در این بخش ساخت‌های سببی واژگانی در زبان پشه‌ای بررسی شده است. در زبان‌ها و گویش‌های افغانستان مانند پشتو، پشه‌ای و غیره سببی‌های واژگانی در برخی موارد از ریشه‌ی حال تشکیل می‌شوند (الهام، ۱۳۸۹: ۴۴۲). سببی واژگانی به ساخت‌های اطلاق می‌گردد که عمل سببی و پیامد آن مجموعاً به صورت یک جمله منفرد بیان می‌گردد (دبیرمقدم، ۱۳۹۹: ۸۹). سبب‌پذیر در این ساخت‌ها به صورت مفعول مستقیم یا در نقش مفعول غیرمستقیم ظاهر می‌گردد. فعل‌های در این ساخت به کار می‌روند که از نظر تکواژی به یکی از سه گروه‌های ذیل تقسیم می‌گردند.

۱- سببی‌های ریشه‌ای

۲- سببی‌های تکواژی

۳- سببی‌های کمکی

سببی‌های ریشه‌ای به آن نوع از سببی‌ها اطلاق می‌گردد که از لحاظ جنبه معنایی داری ساخت سببی‌اند، اما نشانه خطی که منطبق با معنای سببی باشد ندارند. به طور نمونه رابط سببی و غیرسببی بین فعل لازم «شکستن» و فعل متعدی «شکستن» در زبان فارسی.

سببی تکواژی به افعال گفته می‌شود که ستاک آن از پیوند پسوند «آن» به ستاک حال غیرسببی آن به دست می‌آید. رابطه سببی و غیرسببی بین فعل‌های مانند:

پریدن / پراندن

دویدن / دواندن

پوشیدن / پوشاندن

آموختن / آموختاندن

اصطلاح سببی‌های کمکی به گروهی از افعال مرکب متعدی اطلاق می‌شود که از یک صفت به علاوه فعل کمکی «کردن» ساخته می‌شوند. این رابط در افعال زیر به صورت ذیل در ساخت سببی و غیرسببی آن نمود می‌یابد.

سببی / غیرسببی

تلخ شدن / تلخ کردن

درو کردن / درو شدن

دیوار کردن / دیوار شدن

این سه بخش سببی‌های ریشه‌ای، سببی‌های تکواژی و سببی‌های کمکی به ترتیب در زبان پشه‌ای به بررسی گرفته می‌شود و هم‌چنان در مواردی جهت وضاحت موضوع تنوع آن‌ها با زبان فارسی نیز در نظر گرفته شده است.

۲-۱- سببی‌های ریشه‌ای

سببی ریشه‌ای که از لحاظ معنایی بازگوکننده‌ای مفهوم سببی‌اند اما تکواژ قابل‌رویت به خاطر تفکیک حالت سببی و غیرسببی ندارند. در زبان فارسی رابطه سببی و غیرسببی این نوع افعال به برابر، نابرابر و نابرابر مرکب تقسیم شده‌اند؛ مانند نمونه زیر

برابر

غیر سببی سببی

پختن پختن

نابرابر

غیر سببی سببی

مردن کشتن

نابرابر مرکب

غیر سببی سببی

گول خوردن گول زدن

۲-۱-۱- سببی ریشه‌ای برابر

در زبان پشه‌ای با توجه به تحقیق و کنجکاوی افعال سببی برابر، وجود ندارد. به‌طور مثال نمونه فعل "پخت" را در نظر می‌گیریم که در زبان فارسی فعل سببی ریشه‌ای برابر است.

1) ?avu paštek.

غذا پخت

نان پخت

2) parvēza ?avu-dē pačēček.

پرویز پخت را-غذا

پرویز نان را پخت.

چنان‌که می‌بینیم فعل "پخت" /pačâyik/ در زبان پشه‌ای به‌گونه‌های /pašteḱ/ در جمله (۱) و /pačēček/ (۲) آمده است. با توجه به مثال‌های فوق مواردی از نوع افعال ریشه‌ای برابر، در زبان پشه‌ای یافت نشد.

۲-۱-۲- سببی ریشه‌ای نابرابر

در زبان پشه‌ای صورت نابرابر سببی ریشه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نمونه‌های زیر از زبان پشه‌ای توجه کنیم.

	سببی	غیرسببی
	کشتن /mârik/	مردن /mo'rik/
	آوردن /ʔâdik/	آمدن /ʔayik/
	دادن /dayik/	داشتن /darik/

3.a) gōnō's moṛitek
 مار مرده است

مار مرده است.

3.b) - dē'qâna gōnōs-dē mârček.
 دهقان را- مار کشته است

دهقان مار را کشته است.

4.a) ʔali ʔayid.
 علی آمد

الف علی آمد

4.b) parvêza ʔali-dē ʔâ'di.
 پرویز را-علی آورد

پرویز علی را آورد.

با توجه به مثال‌های فوق زبان پشه‌ای، افعال ریشه‌ای به گونه نابرابر در حالت سببی و غیرسببی به کار رفته‌اند. چنان‌که می‌بینیم در مثال (3.b) /dē'qâna/ "دهقان" سبب ساز و /gōnōs/ سبب‌پذیر است. فاعل جمله غیرسببی /gōnōs/ (3.a) در حالت سببی به صورت مفعول مستقیم درآمده است. قابل ذکر است که زبان فارسی دری افغانستان دارای (۸) واکه است، در حالی که در فارسی ایران (۶) واکه داریم. دو واکه‌ی زبان فارسی افغانستان همان /e/ یای مجهول و /o/ واو مجهول است در فارسی معیار ایران وجود ندارند (یمین، ۱۳۸۴: ۷۹).

۱- /r/ این واج در زبان پشه‌ای کاربرد دارد، در هنگام تلفظ قسمت وسط زبان به کام می‌چسبد سنگین‌تراز واج /r/ در زبان فارسی تلفظ می‌شود.

۲- /ō/ واو مجهول است که در زبان‌های شرق ایرانی و در پشه‌ای وجود دارد.

۳- /ē/ یای مجهول است که در زبان فارسی افغانستان و دیگر زبان‌های شرق ایرانی کاربرد دارد، و در زبان پشه‌ای نیز وجود دارد.

۴- /ɬ/ از جمله واجی است که در زبان‌های شرق ایرانی است و در زبان پشه‌ای هم وجود دارد تلفظ نزدیک به دال فارسی دارد، به گونه ذخیم‌تر تلفظ می‌شود زبان بیشتر نسبت به "د" به کام می‌چسبد.

بعضی از واج‌ها در زبان پشه‌ای و پشتو مشترک‌اند، در واژه‌های اصیل هر دو زبان مورد استفاده قرار می‌گیرند. این واج‌های در زبان فارسی افغانستان و ایران استفاده نمی‌شوند (بینوا، ۱۳۸۷: ۶).

۲-۱-۳- افعال سببی نابرابر مرکب

این افعال چنان‌که از نام آن مشخص است دو تکواژ آزاداند که به خاطر مبین مفهوم سببی و غیرسببی در یک زبان به کار می‌روند. مانند

غیر سببی	سببی
آتش زدن	آتش گرفتن
تغییر یافتن	تغییر دادن
عبور کردن	عبور دادن

این افعال در زبان پشه‌ای در ساخت سببی می‌توانند استفاده شوند. مانند نمونه‌های زیر.

غیرسببی	سببی
یاد کردن /yâd karik/	یاد دادن /yâd dayik/
فریب خوردن /gōdalna be?ik/	فریب دادن /gōdalâ yik/
عصبانی شدن /qâr be?ik/	عصبانی کردن /qâr karik/
غرق شدن /dam be?ik/	غرق کردن /dam karik/

5.a) nâsera darsa-dē yâd kari.

ناصر درس یاد را- درس ناصر گرفت

ناصر درس را یاد گرفت.

۵.b) parvêza darsa-dē nâsera-ya yâd deti.

پرویز درس را به ناصر یاد داد.

6.a) savdâ-gar savdâ-gari tânek-jē gōdalna bigōy.

بازرگان در تجارت خود فریب خورد.

بازرگان در تجارت خود فریب خورد.

6.b) temē savdâ-gara-dē savdâ-gari-yē gōdalvâti.

آنها بازرگان را در معاملات فریب دادن.

آنها بازرگان را در معاملات فریب دادن.

از بررسی این افعال در زبان پشه‌ای چنین وانمود می‌گردد که در این نوع افعال و ساخت‌های سببی آن، قاعده به گونه‌ی منظم عمل نمی‌کند. مثلاً در جمله‌ای (۶ الف) و (۶ ب) این مورد در فعل مرکب /yâd kari/ در حالت غیرسببی و فعل مرکب /yâd deti/ در حالت سببی مشاهده می‌گردد.

از بحث فوق در مورد سببی‌های ریشه‌ای می‌توان چنین استنباط کرد که اکثراً در این نوع سببی، سبب‌پذیر و سبب‌ساز در زبان پشه‌ای جاندارند. این مورد در همه نمونه‌های فوق به‌وضوح مشاهده می‌گردد و در ذیل نمایش داده شده است.

(b.۳) /dēqâna/ "دهقان" سبب‌ساز و /gōnōs/ "مار" سبب‌پذیر است

(b.۴) /parvêza/ "پرویز" سبب‌ساز و /ʔali/ "علی" سبب‌پذیر

(b.۵) /parvêza/ "پرویز" سبب‌ساز و /nâsera/ "ناصر" سبب‌پذیر

(b.۶) /temē/ "آنها" سبب‌ساز و /savdâ-gar/ "بازرگان" سبب‌ساز

این افعال یعنی سببی‌های ریشه‌ای در زبان پشه‌ای دارای مفهوم سببی تداومی هستند. نکته‌ای که در زبان فارسی نیز صدق می‌کند. با این حالت می‌توان گفت که زبان فارسی بالقوه در زبان پشه‌ای تأثیرات خود را گذاشته است. از لحاظ معنای و ساختاری در بیشتر موارد، شباهت این نوع افعال سببی در زبان پشه‌ای با زبان فارسی را نشان می‌دهد.

۲-۲- سببی‌های تکوازی

سببی تکوازی نسبت به سببی‌های ریشه‌ای مجموعه‌ای بیشتری را تشکیل می‌دهد. این افعال همراه با برابر غیرسببی آنها و نیز ستاک حال گونه‌ی غیرسببی که مبنای افزودن تکواژ سببی ساز است جمعاً یک ترتیب را به‌وجود می‌آورد. از نظر تاریخی پسوند سببی‌ساز در دوره‌ی میانه‌ی زبان فارسی یعنی پهلوی به‌صورت تکواژه /en/ به‌کار برده می‌شد (یمین، ۱۳۷۸: ۷۸). این نوع سببی در زبان فارسی به شرح زیر نمایش داده می‌شوند.

حالت سببی	ستاک	غیرسببی
پراندن	پر	پریدن
دواندن	دو	دویدن
ترساندن	ترس	ترسیدن
تاباندن	تاب	تابیدن
لرزاندن	لرز	لرزیدن
چراندن	چر	چراندن

این نوع ساخت سببی در زبان پشه‌ای نیز بیشتر مورد کاربرد قرار می‌گیرد؛ یعنی بیشترین ساخت سببی در زبان پشه‌ای در چنین حالت صورت می‌گیرد. به نمونه‌های از این نوع ساخت سببی در زبان پشه‌ای توجه می‌کنیم.

۱.

غیر سببی	ستاک حال	سببی
ترسیدن /jânga beyik/	ترس /jânga/	ترساندن /jânga lavâyik/
پریدن /veârêk/	ور /ver/	پراندن /vera lavâyik/

/nâta lavâyik/ رقصیدن	/nat/ رقص	/naṭik/ رقصیدن
/pēla lavâyik/ چراندن	/pēl/ چر	/pēlik/ چریدن
/vida lavâyik/ دواندن	/vid/ دو	/vidanik/ دوییدن
/jâya lavâyik/ زایاندن	/jây/ زای	/jâyik/ زاییدن
/daq karâyik/ ایستاندن	/daq/ ایست	/daq beyik/ ایستادن
/pala lavâyik/ خوابانیدن	/pal/ خواب	/palik/ خوابیدن
/ēžLavâyik/ خوراندن	/oz/ خور	/ženik/ خوردن
/rōya lavâyik/ رویاندن	/rōy/ روی	/rōyik/ روییدن
/jēsa lavâyik/ خندانان	/jēs/ خند	/jēsâyik/ خندیدن
/pâš lavâyik/ پاشاندن	/pâš/ پاش	/pâšik/ پاشیدن
/pēda lavâyik/ رساندن	/pēd/ رس	/pēdik/ رسیدن
/Caspā lavâyik/ چسپاندن	/časp/ چسپ	/časpik/ چسپیدن
/gera lavâyik/ گرداندن	/ger/ گرد	/gerik/ گردیدن
/čaka lavâyik/ چکاندن	/čak/ چک	/cakik/ چکیدن
/kana lavâyik/ کشاندن	/kan/ کش	/kanik/ کشیدن
/mâ lavâyik/ مالیدن	/mâl/ مال	/mâlik/ مالیدن
/nē lavâyik/ نشاندن	/ni/ نشین	/neyik/ نشستن
/Sâya lavâyik/ سوختاندن	/si/ سوز	/Sâyik/ سوختن
/monḍa lavâyik/ شکستاندن	/mon/ شکن	/monḍik/ شکستن
/vera lavâyik/ گریاندن	/ver/ گری	/verâyik/ گریستن
/fâma lavâyik/ فهماندن	/fâm/ فهم	/fâmik/ فهمیدن
/banja lavâyik/ پوشاندن	/banj/ پوش	/banjik/ پوشیدن
/peya lavâyik/ نوشاندن	/pi/ نوش	/peyik/ نوشیدن
/paka lavâyik/ پکاندن	/pakō/ پک	/pakâyik/ پکیدن
/câla lavâyik/ باز کردن	/câl/ باز	/čâlik/ باز شدن
/lâja lavâyik/ خجالت زده کردن	/laǰ/ خجل	/laǰik/ خجالت زدن بودن
/lâja lavâyik/ مانده کردن	/baš/ مانده	/baǰik/ مانده شدن

چنان که در افعال فوق می‌بینیم ساختاری زبان پشه‌ای نسبت به زبان فارسی مقداری پیچیده‌تر است زیرا در حالت‌های مانند غیرسببی، ستاک حال و سببی ساختار شفاف و منظم مثل زبان فارسی ندارد. به نمونه‌های زیر توجه نماییم:

7.a) nasrena ĵânga bina.

ترسید نسرین

نسرین ترسید.

7.b) parvena nasrena-dē ĵânga lavâyēčâ

پروین را-ترساند ترساند

پروین نسرین را ترساند.

8.a) parvēz ĵânga bin.

پرویز ترسید

پرویز ترسید.

8.b) ?ali parvēza-dē ĵânga lavâti.

علی را-پرویز ترساند

علی پرویز را ترساند.

با توجه به مثال‌های فوق نشانه‌های مختلف در زبان پشه‌ای، در افعال و شناسه‌های آنها، در حالت سببی و غیر سببی نمود پیدا کرده است؛ زیرا زبان پشه‌ای جنس را در خود دستوری کرده است. و همچنان این زبان ^۱ergative construction دارد که قاعده پیچیده‌تر و غیرمنظم را دارا است. به نمونه‌های زیر توجه نماییم.

9.a) â ĵânga biyân-am.

ش م - بود ترسیده من

من ترسیده بودم.

b- te ĵânga biyâ-nay

ش م = نی - بود ترسیده تو

تو ترسیده بودی.

c- mō ketâba-de xânlâti

من را-کتاب خوانده بودم

من کتاب را خوانده بودم.

d- to ketâba-de xânlâti

تو را-کتاب خوانده بودم

تو کتاب را خوانده بودی.

با توجه به های(۹)، a.۹ فاعل لازم دارد و زمان آن گذشته‌ای بعید است. فعل با فاعل شخص اول مفرد یعنی (a) "من" مطابقت کرده، همچنان در مثال b.۹ فعل لازم /ĵânga/ "ترسیدن" با فاعل شخص دوم مفرد مطابقت کرده یعنی (te) "تو" که این ساخت فاعلی-مفعولی است. اما در مثال‌های (d.c.۹) چنان‌که می‌بینیم فعل /xânlâti/ "خوانده بود" که متعدی است با مفعول /ketâba-de/ "کتاب را" مطابقت دارد. یعنی

نمونه‌های (d.c ۹) نشانه‌ی حالت در فعل ندارند که با فاعل مطابقت داشته باشند. بنا بر زبان پشه‌ای در زمان گذشته‌ای بعید در فعل متعدی از لحاظ حالت، ساخت کنایی دارد. شایان ذکر است که در همین مثال‌های (۹) ضمیر به کار رفته در افعال متعدی و لازم نیز از هم تفاوت دارند که نمایانگر ساخت کنایی در ساخت نحوی نیز می‌باشد. در حالی که در زمان‌های دیگر حالت فاعلی - مفعولی را به خود می‌گیرد. به صورت کل این زبان دارای ساخت دوگانه است، ساخت فاعلی - مفعولی و ساخت کنایی. از این که بحث مقاله در مورد ساخت سببی است به مطالب فوق در مورد ساخت کنایی در زبان پشه‌ای اکتفا می‌کنیم.

بررسی افعال سببی تکواژ نشان می‌دهد که این افعال، لازم، متعدی یا نیمه متعدی هستند. چنان که در مثال‌های ارائه شده زبان پشه‌ای دیده شد فاعل این افعال به صورت گسترده عامل است. مانند نمونه‌های زیر

10.a) ʔoštōka ʔavu žēček.
کودک نان خورد

کودک نان خورد.

10.b) ʔōya ʔavu-dē ʔoštōka-ya žēlavēčik.
مادر را-خوراند به-کودک خوراند

مادر نان را به طفل خوراند.

با توجه به مثال‌های (a.b .۱۰) که در جمله‌ای (a.۱۰) /ʔoštōka/ "کودک" در حالت فاعلی است در ضمن عامل نیز است. در مثال (b.۱۰) /ʔōya/ "مادر" فاعل است که عامل نیز است.

در این جمله سببی فاعل جمله غیر سببی (a ۱۰) در حالت سببی نقش باخته شده به صورت مفعول حرف اضافه‌ای در جمله ظاهر می‌گردد.

اما در بعضی از افعال فاعل جمله غیر سببی در حالت سببی به صورت مفعول صریح ظاهر می‌شود. مانند مثال زیر.

11.a) paš`ena vergâ
پرنده پرید

پرنده پرید.

11.b) šekâri pašena-dē vera lavēvâti.
شکاری را-پرنده پراند

شکاری پرنده را پراند

با توجه به مثال‌های (۱۱ الف. ب) در مثال ۱۱ الف. /pašena/ "پرنده" فاعل است که در صورت سببی شدن جمله، به صورت ۱۱. ب. /pašena-dē/ "پرنده را" به شکل مفعول صریح ظاهر شده است.

۱- /ʔ/ این واج در زبان پشه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. بی‌واک است. پس کامی سایشی است، در هنگام تلفظ آن قسمت آخر زبان به کام می‌چسبد.

قابل ذکر است در زبان پشه‌ای در صورتی که در جملات سببی، سبب‌ساز و سبب‌پذیر هر دو جاندار باشند شرایط فوق، منظم مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما اگر فاعل جمله در حالت غیرسببی بی‌جان باشد در آن صورت این ساخت به گونه‌ی دیگر ظاهر می‌شود. مانند مثال زیر

12.a) šišō montek.
شیشه شکست

شیشه شکست.

12.b) mo šišō-dē monḍēček.
من شیشه را- شکستاندم

من شیشه را شکاندم.

با توجه به مثال فوق، حالت‌های سببی افعال دسته‌ای (۱) با پذیرفتن تکواژ /lavâyik/ که یک تکواژ بسته بوده نقش دستوری دارد نمود می‌یابد، مانند نمونه‌های (۷-۱۱)، اما مثال‌های (a.۱۲ و b.۱۲) که فاعل آنها پذیرا است با پذیرفتن تکواژ /ček/ که یک تکواژ بسته است، شکل سببی را به خود اختیار نموده‌اند. در زبان فارسی می‌توان این نوع فعل (دارای فاعل‌پذیرا) را با "آن" به صورت سببی درآورد. مثل نمونه (۱۲ ب) ولی در زبان پشه‌ای چنین امکان وجود ندارد. یعنی نمی‌شود آن را با تکواژ /lavâyik/ که اغلب به جای "آن" فارسی به کار می‌رود به صورت سببی درآورد.

در زبان پشه‌ای برخی از افعال وجود دارند که در حالت غیرسببی با پذیرفتن فعل کمکی ظاهر می‌شوند اما حالت سببی خود را به صورت بی‌نشان با پذیرفتن تکواژ /lavâyik/ مانند افعال شماره‌ای (۱) شکل می‌دهند. نمونه‌های (۲) از نوع همین افعال‌اند.

۲.

ایستادن /daqa lavâyik/	ایست /daqa/	ایستادن /daqa beyik/
ترساندن /jânga lavâyik/	ترس /jânga/	ترسیدن /jânga beyik/
رنجاندن /ranja lavâyik/	رنج /ranj/	رنجیدن /ranj beyik/
جوشاندن /jōš lavâyik/	جوش /jōš/	جوشیدن /jōš beyik/

13.a) parwēz jânga bigōy.
پرویز ترسید

پرویز ترسید

13.b) mâmora parēza-de jânga lavēvâti
مامور را-پرویز ترساند

مامور پرویز را ترساند.

14.a) ?orga jōš bigōy
آب جوشید

آب جوشید.

14.b) mâši vargâ-dē jōšalēvâti.
زن را آب جوشاند

زن آب را جوشاند.

با توجه به مثال‌های ارائه شده بیشترین افعال لازم می‌توانند با تکواژ /lavâyik/ در زبان پشه‌ای صورت سببی تشکیل دهند. اما در افعال متعددی تمام‌عیار ما نمی‌توانیم با این تکواژ شکل سببی تشکیل دهیم. این نوع افعال را در زبان پشه‌ای می‌توان به صورت سببی نحوی درآورد. مانند نمونه‌های زیر.

15.a) mâši kâlō-dē čemta-ʔō
زن می-دوز را لباس

زن لباس را می‌دوزد.

15.b) xayâta mâši-dē vâdâra kari ke[kâlō-dē čemba-ʔē].
خیاط زن را وادار کرد وادار [را-لباس] که [اد-دوز]

خیاط زن را وادار کرد که [لباس را بدوزد]

16.a) parvêza ketâba-dē gō'zi.
پرویز را-کتاب گرفت

پرویز کتاب را گرفت.

16.b) ʔali parvêza-dē tašviq kari ke[ketâba-dē grēdē].
علی [بگیرد] را-کتاب که کرد تشویق را-پرویز علی

علی پرویز را تشویق کرد که کتاب را بگیرد.

با توجه به مثال‌های (a.۱۵ و b و a.۱۶ و b) چون فعل به کار رفته در مثال (a.۱۵) یعنی /čembik/ "دوختن" فعل متعددی تمام‌عیار است. حالت سببی خود را (b.۱۵) در حالت نحوی شکل می‌دهد. هم‌چنان در مثال (a.۱۶) فعل /gerâyik/ از جمله افعال متعددی تمام‌عیار است، به گونه‌ی نحوی شکل سببی خود را (b.۱۶) تشکیل می‌دهد.

همخوان /ž/ (ژ) با توجه با تحقیق که من در زبان پشه‌ای در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد و کارشناسی‌داشتم، این همخوان فقط در زبان پشه‌ای در افغانستان به کار رفته است. و صورت نوشتاری آن را به شکل (ژ) نمایش داده‌ام (ناصر، ۱۳۹۷: ۸۹).

۲-۳- سببی‌های کمکی

این نوع سببی به گروه از افعال اطلاق می‌شود که از یک صفت به اضافه فعل کمکی ساخته می‌شوند (دبیرمقدم، ۱۳۹۹: ۱۰۰). این بخش یکی از زایاترین بخش مقوله‌ای سببی در زبان پشه‌ای است. برابر غیرسببی آن در

۱. /ž/ این واج همخوان با آوا است که در افغانستان فقط در زبان پشه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، سایشی است و تلفظ نزدیک به "ژ" زبان فارسی دارد.

زبان پشه‌ای با فعل کمکی /beyik/ "شدن" با یک صفت شکل می‌گیرد. و شکل سببی آن، صفت با فعل /karik/ "کردن" به‌دست می‌آید. دسته افعال شماره‌ای (۳) این افعال را در زبان پشه‌ای تشکیل می‌دهند.

.۳

غیرسببی	سببی
ترش شدن /torš beyik/	ترش کردن /torš/
ناراحت شدن /deq beyik/	ناراحت کردن /deq/
بزرگ شدن /ḡaban beyik/	بزرگ کردن /ḡaban/
خوارشدن /xâr beyik/	خوار کردن /xâr karik/
شیرین شدن /širin beyik/	شیرین کردن /širin karik/
قهرشدن /qâr beyik/	قهر کردن /qâr karik/
پاک شدن /pâk beyik/	پاک کردن /pâk karik/
دور شدن /sedur beyik/	دور کردن /sedur karik/
سبک شدن /sebok beyik/	سبک کردن /sebok karik/
هوشیار شدن /hošâr beyik/	هوشیار کردن /hošâr karik/
عصبانی شدن /ʔasabâni beyik/	عصبانی کردن /ʔasabâni karik/
کوچک شدن /yaqaṭō beyik/	کوچک کردن /yaqaṭō karik/
بیزار شدن /bēzor beyik/	بیزار کردن /bēzor karik/
جوان شدن /jevōn beyik/	جوان کردن /jevōn karik/
سیاه شدن /šâmok beyik/	سیاه کردن /šâmok karik/

نمونه‌های سببی و غیرسببی این نوع افعال را در زبان پشه‌ای با نمونه‌های ذیل پیگیری می‌کنیم.

17.a) parvēz ḡaban bitek.

شد بزرگ پرویز

پرویز بزرگ شد.

17.b) ʔali parvēza-dē ḡaban kaček.

علی را-پرویز کرد بزرگ

علی پرویز را بزرگ کرد.

با توجه به مثال‌های فوق /parvēz/ "پرویز" در مثال (17.a) فاعل جمله است، در جمله سببی (17.b) /ʔali/ "علی" سبب‌ساز و /parvēza/ "پرویز" سبب‌پذیر است. فاعل جمله (17.a) در حالت سببی (17.b) به‌صورت مفعول صریح درآمده است.

با توجه به دستوری بودن جنس در زبان پشه‌ای فعل در آخر جمله به طبع فاعل مؤنث و مذکر تغییر شکل می‌دهد. به نمونه زیر توجه کنیم.

18) parvena dabana biča.
 پروین شد بزرگ

پروین بزرگ شد.

مثال (۱۸) چنان‌که دیده می‌شود فاعل ما /parvena/ "پروین" مؤنث است به طبع فاعل /bitek/ "شد" به /biča/ "شد" تبدیل شده است. حتی این نشانه مؤنث یعنی واج /a/ در هر سه کلمه /parvena/ "پروین"، /dabana/ "بزرگ" و /biča/ "شد" آمده است. در حالت سببی نیز این نشانه‌های مؤنث رعایت می‌شوند. (۱۹) شکل سببی (a 18) است.

19.) ?âsa parvena-dē dabana kari.
 مادرش پروین را بزرگ کرد

مادرش پروین را بزرگ کرد.

در مثال فوق با توجه به مؤنث بودن سبب‌پذیر /parvena/ "پروین" صفت /dabana/ "بزرگ" نیز نشانه /a/ را به خود اختیار کرده است. فعل نیز به صورت /kari/ "کرد" درآمده است. شایان ذکر است که فعل‌های سببی کمکی با توجه به مشخصه "آنی" در برابر "تداومی" به دو گروه تقسیم می‌شوند. فعل‌ها که سبب‌پذیر آنها جاندار است مفهوم سببی آنی را القا می‌کنند. فعل‌های سبب‌پذیر آنها بی‌جان است، مبین مفهوم سببی تداومی‌اند. مانند نمونه‌های زیر

20a) ?ali nâjor bin.
 علی بود مریض

علی مریض بود.

20.b) tašveša ?ali-dē nâjor kavâti.
 تشویش کرد مریض را-علی

تشویش علی را مریض کرد.

جمله (20b) مبین مفهوم تداومی است. زیرا سبب‌پذیر آن /?ali/ "علی" جاندار است. از نمونه (21b) مفهوم سببی تداومی استنباط می‌شود. زیرا سبب‌پذیر آن /zom/ "سنگ" بی‌جان است.

21.a) zom gut bin.
 سنگ افتاد

سنگ افتاد.

21.b) ?ali zambâ-dē gut kavâti
 علی را-سنگ انداخت

علی سنگ را انداخت.

۳- ساخت‌های سببی ترکیبی در زبان پشه‌ای

فعل سببی ترکیبی به فعلی اطلاق می‌شود که احتیاج به یک جملهٔ متمم دارد، یعنی ساختی که در آن فعل ظاهر می‌شود دارای یک جمله پایه و یک جملهٔ پیرو می‌باشد (دیبرمقدم، ۱۳۹۹: ۶۰). فعل‌های سببی ترکیبی بر اساس معیار تضمن معنای ضمنی به سه گروه «دارای معنای ضمنی مثبت، معنای ضمنی منفی و فاقد معنای ضمنی» تقسیم‌بندی شده‌اند.

با در نظر داشت بحث فوق افعال زبان پشه‌ای نیز می‌توانند در این ساختار، جملهٔ سببی را شکل دهند. جملات زیر مبین مفهوم معنای ضمنی مثبت در زبان پشه‌ای‌اند.

22) yâ ʔormalō bâʔes bin ke [â keʔamâs-am dē ʔast-ōy dāmâ.]

[بدهم از- دست را- ام- کار من] که شد باعث مرد این

این مرد باعث شد که متمم [من کارم را از دست بدهم].

جمله شماره (22) زبان پشه‌ای یکی از نمونه‌های سببی ترکیبی است، این جمله متضمن معنای ضمنی مثبت است،

زیرا با در نظر داشت مفهوم جمله، من کار خود را از دست داده‌ام، در این جمله /ʔormalō/ "مرد" سبب ساز است و /â/ "من" سبب‌پذیر.

23) tē mō-dē vâdōr karēm ke [ʔōst ʔē keʔamâ-ʔē ʔanâm.]

بزنم به - کار این دست که کرد وادار را- من او

او مرا وادار کرد که متمم [دست به این کار بزنم].

در جملهٔ فوق /tē/ "او" سبب‌ساز و /mō/ "من" سبب‌پذیر است. در این ساخت با توجه به جملهٔ فوق، سبب‌پذیر به صورت غیرفعلی یعنی به شکل مفعول صریح /mō-dē/ "من را" ظاهر شده است. گونه‌ای که در زبان فارسی هم صدق می‌کند. هم‌چنان این جمله معنای ضمنی مثبت دارد. زیرا /mō/ "من" که سبب‌پذیر جمله‌ای فوق می‌باشد، عملی را انجام داده است.

24) mō tē-s xâheš kari ke [keʔamâ šerâ yay.]

من از او خواهش کردم که سر کار بیاید

من از او خواهش کردم که متمم [سرکار بیاید].

ساخت شماره (۲۴) دارای معنای ضمنی مثبت و منفی نیست، شاید /tē/ "او" سرکار بیاید یا نیاید. از این که این جمله دارای معنای ضمنی نیست بنابراین سبب‌پذیر /tē-s/ "از- او" در این جمله به صورت مفعول حرف‌اضافه‌ای آمده است. شایان ذکر است که زبان پشه‌ای پس اضافه است، چنان که مشاهده می‌شود اضافه /s/ "از" بعد از /tē/ "او" آمده است. یعنی برعکس زبان فارسی که شامل زبان‌های پیش‌اضافه است.

۳-۱-۱- افعال سببی ترکیبی دارای معنای ضمنی مثبت

سبب پذیر در ساخت‌های سببی ترکیبی دارای معنای ضمنی مثبت، یا در نقش فاعل یا مفعول مستقیم ظاهر می‌گردد. این نوع افعال به دو گروه یعنی سببی‌های فاعلی-التزامی و سببی‌های مفعولی-التزامی تقسیم می‌شوند.

۳-۱-۱-۱- سببی فاعلی - التزامی

۳-۱-۱-۱-۳- سببی‌های غیرمقید

چنان‌که دیده می‌شود در زبان فارسی سه فعل سببی ترکیبی وجود دارد که افعال سببی غیرمقید را تشکیل می‌دهند. با در نظر داشت تأثیرات زبان فارسی بر زبان پشه‌ای، این افعال در ساخت زبان پشه‌ای نیز به کار رفته‌اند. ساخت این نوع فعل‌ها همانند زبان فارسی، عنصر اول را "اسم" و عنصر دوم را فعل کمکی /beʔik/ "شدن" تشکیل می‌دهد. به نمونه‌های زیر توجه کنیم.

25) yâ tejâr bâʔes bin ke[â fâydō sam-dē ʔast-ōy dâmâ.]

بدهم از-دست را-خود سود من که شد باعث تجار این
این تجار باعث شد که متمم [من سود خود را از دست بدهم].

در جمله فوق /tejâr/ "تجار" سبب‌ساز و /â/ "من" سبب‌پذیر است. قابل ذکر است که این ساخت با فعل مرکب «باعث شدن» ممکن است در زبان فارسی به صورت‌های متفاوت ساخت سببی را شکل دهد، اما در زبان پشه‌ای فقط با همین ساخت یعنی آمدن فعل مرکب /bâʔes beʔik/ "باعث شدن" در جمله پایه می‌تواند ساخت سببی را شکل دهد و موارد دیگر آن در زبان پشه‌ای کاربرد ندارد. به‌طور مثال جمله زیر فارسی دستوری است که در آن جمله متمم به صورت مصدری ظاهر شده است.

۲۶) این تجار باعث از دست دادن سودم شد.

در صورتی که حالت مصدری جمله‌ای (۲۶) در زبان پشه‌ای ممکن نیست.

27) * yâ tejâr bâʔes ʔast-ōy daʔik fâydōm bin.

شد سودم دادن از-دست باعث تجار این

قابل ذکر است که از مجموع سه فعل مرکب باعث‌شدن، موجب‌شدن و سبب‌شدن که دبیرمقدم این‌ها را سببی‌های غیرمقید در زبان فارسی می‌داند فعل باعث‌شدن کاربرد بیشتری در ساخت سببی زبان پشه‌ای دارد و دو فعل دیگر چندان مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.

۳-۲- سببی اجاره‌ای

فعل‌های سببی اجاره‌ای را شیباتانی (۱۹۷۳) در رساله دکتری خود مطرح کرده است. سببی اجاره‌ای حالتی است که سبب‌ساز یا فعالانه راه را برای فعالیت سبب‌پذیر باز می‌کند یا از او در انجام کاری ممانعت به عمل نمی‌آورد (دبیرمقدم، ۱۳۹۹: ۷۳).

این مفهوم در زبان فارسی با استفاده از فعل "گذاشتن" بیان می‌گردد. با در نظر داشت بحث مقاله این موضوع را در زبان پشه‌ای به بررسی می‌گیریم. در زبان پشه‌ای نیز چنین ساخت سببی وجود دارد که با فعل /ʔōṛik/ "گذاشتن" بیان می‌شود.

28 maʔlema ʔōṛi ke [telâb senfa-de yallâ karayē.]

معلم گذاشت که دانشجو را - کلاس ترک

معلم گذاشت که متمم [دانشجو کلاس را ترک کند].

29) davlata ʔōṛi ke [mardom yakšambi dovâsa

دولت گذاشت که مردم یکشنبه روز

ʔid karan]

کنند عید

دولت مردم را گذاشت که متمم [روز یکشنبه عید کنند].

در جمله شماره (۲۸) /mâlema/ "معلم" سبب‌ساز و /telâb/ "شاگرد" سبب‌پذیر است و هم‌چنان در جمله شماره (۲۹) /davlata/ "دولت" سبب‌ساز و /mardom/ "مردم" سبب‌پذیر است.

این امکان در زبان پشه‌ای وجود دارد که ضمیر /ʔē/ "این" با نشانه /dē/ "را" به صورت اختیار پیش از فعل /ʔōṛik/ به کار رود و جمله دستوری باشد. مانند نمونه زیر

30) mâlema ʔē-dē ʔōṛi ke [telâb senfa-de yallâ karayē.]

معلم این را گذاشت که دانشجو را - این معلم

معلم این را گذاشت که متمم [دانشجو صنف را ترک کند].

امکان دیگری نیز در زبان پشه‌ای وجود دارد که فاعل جمله متمم ارتقا نموده و در جایگاه ضمیر /ʔē/ "این" قرار گیرد. جمله (۳۱) مبین این مفهوم است.

31) mâlema telâb-dē ʔōṛi ke [sa senfa-de yallâ karayē]

معلم دانشجو را گذاشت او که - دانشجو معلم

معلم دانشجو را گذاشت که متمم [او کلاس را ترک کند].

چنان‌که در نمونه‌های فوق مشاهده می‌کنیم این نوع ساخت‌ها و جابجایی مقوله‌ها، در زبان فارسی نیز صورت گرفته و جملات به صورت دستوری ظاهر می‌شوند.

۳-۲-۱- سببی‌های مفعولی - التزامی

۳-۲-۱-۱- سببی اجباری

افعال واداشتن، وادار کردن و مجبور کردن در زبان فارسی سببی اجباری‌اند، اما در زبان پشه‌ای دو فعل vâdōr /karâyik/ "وادار کردن" و /majbur karâyik/ "مجبور کردن" می‌توانند در این ساخت یعنی سببی اجباری به کار روند و فعل "واداشتن" در زبان پشه‌ای کاربرد ندارد.

این دو فعل مرکب (/vâdōr karâyik/ "وادار کردن" و /majbur karâyik/ "مجبور کردن") در زبان پشه‌ای مفهوم سببی اجباری را بیان می‌کنند. اما مفهوم شدت اجبار نظر به هر فعل فرق می‌کند. به نمونه‌های زیر از ساخت اجباری سببی در زبان پشه‌ای توجه کنیم.

32) raʔesa kṛōmkākâli – dē vâdōr kari ke [hâzeri-tânek – dē ʔemzâ karân]

کنند امضا را -خود-حاضری که وادار کرد را-کارمندان رئیس
رئیس کارمندان را وادار کرد که متمم [حاضری خود را امضا کنند].

33) ʔâyi bâlkola-dē vâdōr kari ke [ʔavu-tânek – dē žovândē.]

بخورند را-خود-غذا که کرد وادار را-بچه‌ها مادر
مادر بچه‌ها را وادار کرد که متمم [غذای خود را بخورند].

34) davlata mardoma-dē majbur kari ke [mâsk

دولت را-مردم ماسک که کرد مجبور

ʔestefâdō karân.]

کنند استفاده

دولت مردم را مجبور کرد که متمم [ماسک استفاده کنند].

همان‌طور که می‌دانیم سببی اجباری به دو متمم مفعولی نیاز دارد، یکی در جایگاه مفعول مستقیم و دیگری در جایگاه مفعول حرف‌اضافه‌ای، اگر نمونه (۳۲) را در نظر بگیریم می‌توان آن را به صورت جمله (۳۵) نوشت که صورت‌های مفعول مستقیم و حرف اضافه‌ای در آن وانمود می‌گردد.

35) raʔesa kṛōm-kâkâli-dē hâzeri-jē ʔemzâ kaka vâdōr kari.

کرد وادار کردن امضا به-حاضری را-مندان-کار رئیس
رئیس کارمندان را به حاضری امضا کردن وارد کرد.

جمله شماره (۳۵) نه تنها که به حالت دو مفعولی درآمده است که مفعول اول آن /kṛōm-kâkâli-dē/ "کارمندان را" و مفعول دوم /hâzeri-jē/ "به حاضری" بلکه صورت مصدری نیز به خود پذیرفته است. می‌توان گفت ساخت‌های سببی اجباری در کل دارای دو متمم بوده و گاهی به صورت مصدری نیز درمی‌آید. هم‌چنان مفعول جمله پایه در این ساخت با فاعل جمله پیرو یکی است که در نمونه شماره (۳۳) می‌توان به وضوح مشاهده کرد. که در آن /bâlkola/ "بچه‌ها" مفعول جمله پایه است و در جمله پیرو نقش فاعلی دارد.

۴- نتیجه‌گیری

در این مقاله از ساخت‌های سببی واژگانی و ترکیبی در زبان پشه‌ای بحث گردید. ویژگی‌های واژه‌گانی ساخت سببی در زبان پشه‌ای با پذیرفتن تکواژ /lavâyik/ در ستاک حال فعل به دست می‌آید. اما چنان که در بحث آمد ساخت منظم و شفاف مثل زبان فارسی ندارد. از جمله سببی‌های واژگانی، سببی‌های کمکی بیشترین مورد

استفاده را در زبان پشه‌ای داشتند. سببی‌های ریشه‌ای برابر در زبان پشه‌ای یافت نشد. اما سببی‌های تکواژی نیز در زبان پشه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. سببی‌های ترکیبی در زبان پشه‌ای نیز به صورت بالقوه استفاده می‌شود. نکته‌ای قابل توجه در سببی‌های ترکیبی زبان پشه‌ای این بود که از جمله سه فعل سببی اجباری زبان فارسی، مانند واداشتن، وادار کردن و مجبور کردن تنها دو فعل "وادار کردن" و "مجبور کردن" در زبان پشه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت. نمونه‌ای از فعل "واداشتن" یافت نشد. به صورت کل با در نظر داشت پژوهش ساخت سببی در زبان پشه‌ای، با وجود این که هم‌اکنون این زبان به عنوان یکی از زبان‌های داردیک و ویژگی‌های ساخت سببی زبان‌های داردیک را حفظ کرده است، اما به صورت بالقوه از زبان‌های فارسی و پشتو در ساخت سببی تأثیر پذیرفته است. گویش مورد نظر در این تحقیق استان کاپیسا در افغانستان است. یعنی همان جغرافیایی که بر اساس تقسیم‌بندی مورگنسترن به عنوان پشه‌ای زبانان شمال غربی یاد شده‌اند، چون ساکنان استان کاپیسا بیشتر فارسی زبان‌اند. بدون شک تأثیرات زبان فارسی در نمونه‌های کار شده در این تحقیق به مراتب بیشتر از زبان پشتو است.

منابع

- بینوا، عبدالحی (۱۳۸۷). *تاریخچه پشه‌ای‌های افغانستان*، انتشارات معارف، کابل، چاپ اول.
- غمجن، نورمحمد (۱۳۹۹). *فرهنگ زبان پشه‌ای*، انتشارات بیهقی، کابل، چاپ اول.
- کلمانی، محمدزمان (۱۳۸۹). *مجموعه مقالات و یادبود از شاعر پشه‌یی توکل بابا*، انتشارات بیهقی، کابل، چاپ اول.
- کلمانی، محمدزمان (۱۳۸۹). *پشه‌ای افغانان*، انتشارات بیهقی، کابل، چاپ اول.
- کلمانی، محمدزمان (۱۳۸۴). *پشه‌ای گلینا*، انتشارات مطبعه، کابل، چاپ اول.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۳). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۹). *زبان‌شناسی منظر ایرانی*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، چاپ اول.
- ناصح، نورالرحمن (۱۳۹۷). *ساخت زبان فارسی*، انتشارات تمدن شرق، کابل، چاپ اول.
- یمین، محمدحسین (۱۳۸۴). *دستور معاصر پارسی دری*، انتشارات میوند، کابل، چاپ پنجم.
- یمین، محمدحسین (۱۳۷۶). *دستور تاریخی زبان پارسی دری*، انتشارات میوند، کابل، چاپ اول.
- Morgenstierne, G (1967). *The Pashai language*, Indo-Iranian Frontier Languages, Oslo Universitet, forlaget.
- Lehr, R (2014). *a descriptive grammar of pashai: the language and speech community of darray nur*, P.H.D thesis, Chicago university.
- Liljegren, H (2019). *A micro-typological study of Pashai varieties in Afghanistan*, M.A thesis, Stockolm University.